

۴۶۴  
۲۷۴  
۱۴۰۱/۳/۲۰

هفت پیکر

یا

دیوان سلطان احمد جلایر

www.ketab.ir

به کوشش

دکتر علی فخر دوسی

دکتر سمانه زنجبیلان



فردوسی، علی، ۱۳۲۹.  
دیوان سلطان احمد جلایر (هفت پیکر) / مؤلف: دکتر علی فردوسی و  
دکتر ساناز رجیبیان.

تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۱.  
ص. ۱۰۷۲

ISBN 978-964-325-617-3

فیبا

کتابنامه: ص. [۱۱۴۵]-۱۱۵۸؛ همچنین به صورت زیرنویس

احمد جلایر، غیاث‌الدین بن شیخ اویس، - ۸۱۳ ق.

شعر فارسی -- قرن ۸ ق -- تاریخ و نقد.

Persian poetry -- 14<sup>th</sup> century -- History and criticism

رجیبیان، ساناز، ۱۳۶۷.

PIR5339

۸۶۱/۳۲

۸۵۷۲۹۳۶

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآورگان:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتاب‌شناسی ملی:

هفت پیکر

دیوان سلطان احمد جلایر

تألیف: دکتر علی فردوسی و دکتر ساناز رجیبیان

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپ اول: ۱۴۰۱

چاپخانه حیدری: ۲۰۰ نسخه

۵۰۰۰۰ تومان



شرکت سهامی انتشار

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

آدرس تلگرام و اینستاگرام: @entesharco

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

## فهرست موضوعی

|     |                                        |
|-----|----------------------------------------|
| ۵   | پیشگفتار                               |
| ۱۱  | گاهشمار زندگی سلطان احمد جلایر         |
| ۱۹  | مقدمه                                  |
| ۲۳  | زمانه و زندگینامه سلطان احمد جلایر     |
| ۱۴۷ | سلطان احمد و هفت پیکر                  |
| ۱۴۸ | دستنوشته‌ها                            |
| ۱۶۹ | شیوه ویراستاری                         |
| ۱۷۲ | توزیع صوری هفت پیکر                    |
| ۱۷۵ | ویژگی سبکی اشعار سلطان احمد            |
| ۲۰۵ | محتوای اندیشگانی هفت پیکر              |
| ۲۳۸ | سلطان احمد و جمهوری ادب                |
| ۲۷۹ | سلطان احمد و میراث شعر فارسی           |
| ۲۸۳ | سلطان احمد و شهر یاری ایرانی           |
| ۲۸۸ | شهر یاری ناخواسته سلطان احمد           |
| ۲۹۲ | شعر و شخصیت سلطان احمد: یک ارزیابی کلی |
| ۲۹۹ | هفت پیکر (دیوان سلطان احمد جلایر)      |
| ۲۹۹ | دفتر یکم: الهدایه                      |
| ۴۰۳ | دفتر دوم: کنوزالعشاق                   |
| ۴۸۱ | دفتر سوم: الشرقیات                     |

۴ هفت پیکر (دیوان سلطان احمد جلایر)

|      |                          |
|------|--------------------------|
| ۵۷۳  | دفتر چهارم: البدیعیات    |
| ۶۵۳  | دفتر پنجم: المقدمه       |
| ۷۵۹  | دفتر ششم: الغریبات       |
| ۹۰۵  | دفتر هفتم: لوامع الانوار |
| ۹۴۵  | شعرهای افزون بر هفت پیکر |
| ۹۵۳  | توضیحات و تعلیقات        |
| ۱۰۲۵ | نمایه القبایى اشعار      |
| ۱۰۲۵ | غزلها                    |
| ۱۰۳۸ | غزلهای موقوفه            |
| ۱۰۴۰ | قصاید                    |
| ۱۰۴۳ | فهرست مأخذ               |
| ۱۰۶۱ | اعلام                    |
| ۱۰۶۶ | تصاویر                   |

## پیشگفتار

کتابی که در دست دارید مجموعه‌ای است به اقرب احتمال کامل از اشعار سلطان احمد جلایر که در ۸۱۳ قمری (۱۴۱۰ میلادی) به نحو فجیعی به دست درباریان سابق خود و پدرش به قتل رسید. سلطان احمد که از معاصران حافظ و از ستاینندگان شعر او بود، خود شهریار بود شاعر، و هنرپرور و هنرمند، که در زمان حیاتش بر انتشار دفترهای اشعارش نظارت داشته است. این دفترها گاهی به صورتی مجزا و با عنوان خاص خود، مانند «الشرقیات» یا «العربیات» منتشر می‌شده‌اند، و گاه به صورت یک مجموعه، که کاملترین آنها با عنوان «هفت پیکر»، جاری هفت دفتر مستقل، در سال ۸۰۹ قمری، یعنی چهار سال پیش از مرگ شهریار جلایری، تدوین شده و همین نسخه مبنای کار ما، از جمله ترکیب‌بندی کتاب حاضر، و نامگذاری آن است. این نخستین باری است که این دیوان به طبع می‌رسد.

در مقدمه به تفصیل درباره نسخه‌ها، و شیوه ویراستاری، و منطق آن سخن رفته است. لیکن از آنجا که شمایل این کتاب و منطق ویراستاری آن در موردی‌هایی از عادت‌های رایج فاصله می‌گیرد، شاید خاطر‌نشانی چند نکته بیهوده نباشد:

۱- منطق ما در تصحیح این مجموعه استصوابی نیست، بلکه ما از شیوه‌ی موسوم به «ویراستاری حفاظت‌گرانه» (conservative editing) پیروی کرده‌ایم که در آن کوشش بر این است که متن تا جای ممکن حفظ شده و مگر آنجا که آشکارا خطایی بدان راه یافته به همان شکلی که هست بازتولید شود. این شیوه باید به ویژه در مورد متن‌های تاریخی با وسواس بیشتری دنبال گردد. بنابراین، ما در تصحیح متن، تنها آنگاه که متن مبنای آشکارا نادرست یا نامفهوم بود واژه‌ای را از یکی از نسخه‌های دیگر به متن بردیم. در شاکله

کتاب، از جمله حفظ هفت دفتر مجزّا، و در توالی اشعار در درون هر یک از دفترها، نیز همین قاعده را دنبال کردیم. در هیچ موردی از منطق «اصح» یا «ارجح» بهره نگرفتیم. از اعمال هرگونه سلیقه‌ای پرهیز کردیم، و نکوشیدیم تا «ادیبانه‌ترین» یا «شاعرانه‌ترین» روایت ممکن از متن را درست کنیم. خوشبختانه از آنجا که همگی نسخه‌های ما (به استثنای یکی) در کتابخانه شاهی و زیر نظر خود شهریار تولید شده‌اند، شماره این گونه موردها بسیار اندک است. گرچه باید افزود که گاهی بیت یا مصرعی از شهریار چنان دچار ضعف تألیف یا جسارت در مضمون‌پردازی است که فهم سراسر است، و لاجرم گاهی خوانش درست، از آنها ساده‌یاب نیست. این گونه موردها را با بلافاصله در زیرنویس‌ها یا در بخش «توضیحات و تعلیقات» یادآور شده‌ایم، و اگر گمانی داشته‌ایم آن را برای داوری خوانندگان یادداشت کرده‌ایم.

۲- این تصمیم اصولی با دو ملاحظه دیگر تأیید می‌شود. یکم آنکه ما، مثلاً بر خلاف محمد گلندام در تدوین دیوان جامع حافظ، با ایجاد یک متن ناموجود یا بازسازی یک اصل مخدوش، مثلاً بر اثر گداز و مانع و خطا و تصحیح و تعدی ناسخان، روبرو نیستیم. برعکس، از بخت خوش، آنچه در دست داریم روایت کامل و ویراستاری شده‌ای است که زیر نظر خود شاعر و توسط کاتبان و کتابسازان کتابخانه «سلطانی» تدوین و کتابت شده است. نسخه مبنای ما نه تنها نسخه‌ی آشکارا کامل و با دقت تهیه شده‌ای است، بلکه آخرین نسخه‌ای است که سلطان احمد فرصت و حوصله تدوین هنرمندانه آن را داشته است. گفتنی است که از شش نسخه مبنای کار ما، پنج نسخه از آن متعلق به زمان شاعر، و احتمالاً به استثنای یکی، تهیه شده در کتابخانه مذکورند. دوم آنکه، چنانچه در مقدمه توضیح داده شده است، اهمیت ادبی این مجموعه شعر نسبت به اهمیت تاریخی آن ثانوی است. شعر فارسی، بماهو شعر، بدون این دیوان هیچ خسارتی نمی‌دید. شعر سلطان احمد نه چیزی به عظمت ادبیات شعری فارسی می‌افزاید، و نه اگر نبود چیز چشمگیری از آن کم می‌شد. اهمیت کار حاضر در آن است که سراینده آن یک شهریار است، گرچه این بدان معنا نیست که شعر شهریار جایگاه خاصی در تاریخ ادبیات فارسی ندارد، و به تعبیر همکارم دکتر رجبیان حکایت از گونه ادبی خاصی به نام «شعر شاهی» نمی‌کند.

۳- در مورد نسخه مبنای نسخه بدل‌ها نیز باید در ادامه همین منطق خاطر نشان کرد که آنچه مد نظر ما بود امکان بازسازی حداکثری همه نسخه‌ها بود. کوشش ما این بود که

## هفت پیکر (دیوان سلطان احمد جلایر) ۷

خواننده بتواند تمامی نسخه‌ها را در صورت نیاز بازسازی کند. بنابراین نشانی تمامی اشعار در تمای نسخه‌ها با دقت ثبت شده است، طوری که خواننده خواهد دانست که آیا شعری در دستنویسی هست یا نه، و اگر هست در کدام برگ آن است. به علاوه، هر آنکه بخواهد می‌تواند از روی اطلاعات ما صحافی به هم ریخته نسخه‌ها را مرتب سازد، چنانچه ما در مورد «الشرقیات»، پیکر سوم از دیوان، به خاطر اهمیت ویژه‌ای که این دفتر به سبب نگارگری‌های معروفش داشت، انجام دادیم. این کار نشان داد که نگارگری‌ها متعلق به دفتر خاصی هستند، و نه دیوان شعرهای سلطان احمد به طور اعم. افزون بر آن، با توجه به روزافزونی انتشار روایت‌های دیجیتال از دستنوشته‌ها، ما با ذکر شماره صفحه هر شعری در هر نسخه‌ای، این امکان را فراهم ساختیم که اهل پژوهش بتوانند به همان سهولتی که مطلبی را در کتابی می‌یابند، شعرهای سلطان احمد را در دستنویس‌های مورد استفاده ما نیز بیابند. این رویکرد را به دیگر ویراستاران توصیه می‌کنیم.

کمی از تاریخچه این کار بگوییم. من کار روی آن را از ابتدای سال ۲۰۰۲ میلادی با سفری به واشنگتن برای خواندن نسخه «دیوان سلطان احمد» در گالری هنری فریر، که آن زمان پنداشته می‌شد تنها نسخه باقیمانده از اشعار او باشد، به دست گرفتم، و بلافاصله دریافتم که این نسخه مرکب از چند جزوه است که یکجا صحافی شده‌اند، بی آنکه در آن هنگام بدانم چند جزوه، و به چه حساب و ترکیبی. به تدریج که کار پیش می‌رفت نسخه‌های دیگری از اشعار سلطان احمد یافت می‌شد. پس از آنکه نسخه مبنا که آشکارا کامل بود و شامل هفت دفتر مستقل می‌شد یافته شد، کار را خاتمه یافته و آن را برای چاپ به ناشر سپرده بودم که همکارم بانو دکتر ساناز رجبیان با من تماس گرفت و گفت وی نیز رساله‌ای دکتری خویش را وقف تصحیح و توضیح شعرهای سلطان احمد کرده است. با توجه به آنکه تخصص ایشان در ادبیات فارسی است، و نگاه من بر روی متن به عنوان یک اُبژه تاریخی متمرکز بود، رویکردهایمان را مکمل دانسته و از این حُسن تصادف به مثابه اساس تدوین روایت منتق‌تری از کلیات اشعار سلطان احمد جلایر استقبال کردم. بنابراین آنچه پیش رو دارید میوه همکاری دو نفره ما است. این همکاری به صورت کمابیش تمام‌وقتی برای دو سال طول کشید، و طی آن ما بارها متن را با یکدیگر مرور کردیم، بارها خطاهای یکدیگر را گرفتیم، و در کمتر موردی بود که بدون بحثی مفصل و مشاوره با منابع و استادان اهل کار، به نتیجه‌ای راضی شویم. سهم ما در تصحیح متن اشعار قابل تفکیک نیست. از دید ما، ارائه‌ی یک نسخه صحیح و

مطابق با اصل، مهم‌ترین بخش کار بود. امیدواریم در حفظ این امانت مرتکب خطای بزرگی نشده باشیم. مسئولیت تمامی مقدمه، جز بخش «ویژگی سبکی اشعار سلطان احمد» بر عهده من است. و نیز چنین است مسئولیت خطاهایی که محتمل است به گاهشمار زندگی و زمانه سلطان احمد و دیگر بخش‌ها وارد شده باشند. بی‌تردید به رغم راهنمایی‌ها و مساعدت‌هایی که دریافتیم و کوششی که به عمل آوردیم همچنان هستند خطاها و کاستی‌هایی که از نگاه ما گریخته‌اند. امید آن است که اهل فن ما را در رفع این خطاها راهنمایی کنند. اینجا شاید بهترین جا باشد که گفت که روایت کامل انگلیسی مقدمه، منهای بخش «ویژگی سبکی اشعار سلطان احمد»، همزمان در Academia.edu زیر نام Ali Ferdowsi منتشر خواهد شد.

### سپاسنامه

حال می‌رسیم به دلنشین‌ترین بخش کار: ادای دین به جمله کسانی که ما را راهنمایی و مساعدت کرده‌اند. از آنجا که دو مسیر در تهیه این کتاب پیموده شده است، شمار کسانی که به نحوی سهمی در رساندن کار به سرانجام داشته‌اند بیش از آن است که بتوان از همه‌ی ایشان، و چنان که درخور است، قدردانی کرد. با توجه به این دوگانگی مسیر، من در ابتدا، عین عبارت سپاسگزاری دکتر رجیبیان، و سپس سپاسگزاری خودم را خواهم آورد.

«بی‌گمان آنچه که در پدید آمدن این اثر، مرا یاریگر بوده، همراهی یاران خاطر بوده است. از دوست عزیز، جناب آقای دکتر امید سروری گلپایگانی سپاسگزارم که با معرفی نسخ خطی دیوان سلطان احمد و یافتن آنها، سلسله جنبان این تحقیق شدند. نیز مرهون و مدیون استادان بزرگوaram، زنده‌یاد دکتر اکبر نحوی و سرکار خانم دکتر زرین‌تاج واردی هستم که هم‌تشان همواره بدرقه راهم بوده‌است. هم‌چنین از محبت‌ها و همدلی‌های بی‌دریغ خانم دکتر فرح نیازکار و خانم دکتر مهسا مومن نسب سپاسگزارم که ابیات مغلق دیوان را مطالعه نموده، در شرح آنها، چراغی فراوری من بداشتند. از جناب آقای دکتر کوروش کمالی سروستانی، که پیوسته درهای گنجینه پر بار دانشنامه فارس را به رویم گشاده داشتند، بی‌اندازه سپاسگزارم.